



تفاوت‌های دیدگاه اسلام و غرب درباره حقوق بشر/ غربیها مبدأ و معاد را در حقوق بشر در نظر نمی‌گیرند

یک استاد پردیس قم دانشگاه تهران با بیان اینکه اگر در یک جمله بخواهیم تفاوت اسلام و غرب را در این خصوص بگوییم غربی‌ها جزء نگر و فرد نگر هستند ولی ما کل نگر هستیم...

یک استاد پردیس قم دانشگاه تهران با بیان اینکه اگر در یک جمله بخواهیم تفاوت اسلام و غرب را در این خصوص بگوییم غربی‌ها جزء نگر و فرد نگر هستند ولی ما کل نگر هستیم، گفت: کل هم یعنی هم مبدأ و معاد را در نظر می‌گیریم هم خدا و دین و هم جامعه و هم بحث زن و مرد که مکمل هم هستند منتها کارکردهای متفاوت دارند در نظر می‌گیریم. یعنی اسلام همه این مسائل را در نظر می‌گیرد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا برنجکار، استاد پردیس قم دانشگاه تهران در پاسخ به این سؤال که اختلاف دیدگاه اسلام با غرب درباره حقوق بشر ناشی از چیست؟ به خبرنگار مهر گفت: بشری که اسلام و غرب می‌بینند و تفسیری که این دو از انسان دارند متفاوت است. بنابراین این مسئله بر مسائل حقوقی‌ای که راجع انسان است تأثیر می‌گذارد. به طور کلی در علوم انسانی و علوم که مربوط به انسان است این مسئله وجود دارد که وقتی راجع انسان می‌خواهیم صحبت کنیم تفسیری از انسان داریم بر اساس آن تفسیر راجع انسان و حقوق انسان و ویژگیهای انسان صحبت می‌کنیم.

وی افزود: به طور کلی غربیها انسان و جهان را منقطع از خدا می‌دانند یعنی یا منکر خدا هستند یا در انسان شناسی و هستی شناسی خدا را لحاظ نمی‌کنند. آنها به انسان به موجودی جدای از خدا نگاه می‌کنند جهان را یک مجموعه به هم پیوسته‌ای که از یک مبدأ شروع شده و به یک منتهایی ادامه پیدا می‌کند نمی‌بینند. با این رویکرد آزادی یا حقوقی که برای انسان در نظر می‌گیرند بدون لحاظ خدا و دین و سعادت انسان، البته در بحث سعادت هم به خاطر بحث دین و خدا و آخرت یا عدم لحاظ دین و آخرت باز دو تفسیر می‌توانیم داشته باشیم.

این محقق و استاد دانشگاه در ادامه سخنانش اظهار داشت: از دیدگاه غرب ملاحظه انسان و تفسیر انسان به لحاظ حقوق انسانی، از انسان جداست. اولاً اینکه انسان را به صورت فرد، و جدایی از خدا و جامعه، می‌بینند و جامعه را مجموعه‌ای از انسانها می‌دانند هویتی برای جامعه قائل نیستند. سعادت انسان را هم به این می‌دانند که انسان هر چه دلش خواست انجام بدهد، مادامی که به دیگران آسیب نرساند. این مسئله را سعادت انسان می‌دانند. از طرفی دیگر هم برای زن و مرد نقش‌های متفاوتی قائل نیستند. ایندو را دو موجود مثل هم می‌بینند. دارای نقش‌هایی یکسان، از این جهت حقوق‌ها و کارکردشان را یکسان می‌بینند. حتی بعضی‌ها در مورد بچه دار شدن زن که یک استثنا در ویژگی زن و مرد است صحبت می‌کنند و غیر از این هیچ فرقی میان زن و مرد قائل نیستند. انسان را هم به صورت یک فرد جدای از آخرت و سعادت به معنای کمال انسان که در دنیا به یک کمالی برسد و در آخرت به بهشت ابدی برسد، این مسائل را اصلاً در نظر نمی‌گیرند و نه تنها اینها را در نظر نمی‌گیرند بلکه در نظر گرفتن اینها را هم منع می‌کنند.

برنجکار تأکید کرد: یعنی طبق مبانی خودشان انسانها آزادند، این حقوقی هم که در نظر می‌گیریم درواقع برای این است که آزادی انسان را در نظر بگیرند. اما می‌بینیم که همین حقوق و آزادی مقید می‌شود که دینی نباشد یعنی همین آزادی را که می‌خواهند معنا کنند برای مثال شما وقتی حجاب دارید می‌گویید حجاب نماد دین شماست شما اجازه ندارید مناسک دینی خودتان را به صورت علنی انجام دهید در خانه و در یک محیط بسته می‌توانید. اما خلاف آنرا اجازه می‌دهند یعنی بی‌حجابی در مدرسه، دانشگاه و جامعه را اجازه می‌دهند. اما رعایت حجاب را اجازه نمی‌دهند. اگر آزادی است باید هم حجاب و هم بی‌حجابی آزاد باشد. یعنی همان آزادی‌ای را که غربیها در نظر می‌گیرند دین را لحاظ نمی‌کنند بلکه عدم لحاظ دین را حساب می‌کنند یعنی مشروط به این هستند که دین را نداشته باشیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در ادامه سخنانش با بیان اینکه وقتی دین را در حقوق انسانی در نظر می‌گیریم انسان را در یک کل در نظر می‌گیریم گفت: یعنی انسان را در یک نظام هستی و نظامی که به هم پیوسته است و انسانها به هم مرتبط هستند، جامعه یک هویتی دارد و انسانهای به هم مرتبط به خدا و قیامت اعتقاد دارند. باید گفت انسانها با هم مرتبط هستند و همه‌شان با خدا مرتبط هستند. وقتی چنین شد می‌آییم حقوقی را برای انسان در نظر می‌گیریم که آزادی انسان برای رسیدن به کمال و سعادت دنیا و آخرت تضمین کند. آنها می‌آیند حقوقی را برای انسان در نظر می‌گیرند که آزادی او را البته مشروط بر دینی نبودن و سعادت اخروی را لحاظ نکردن، در واقع یعنی آزادی حیوانی مقید به اینکه نفی آزادی انسانی در اینجا نکنیم.

استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: یعنی آن جنبه انسانیت انسان را که آن ارتباط انسان با خداست و هویت اجتماعی انسان را در نظر نمی‌گیرند می‌گویند انسانها افرادی هستند که باید آزاد باشند هر کاری دلشان می‌خواهد انجام دهند. البته یک قید دارد و آن این است که به دیگران آسیب نزنیم. در این تلقی‌ها با غرب متفاوت هستیم. در عمل و در نتیجه هم تفاوت‌هایی ایجاد می‌شود، البته یک اشتراکاتی هم با غربی‌ها داریم، یعنی در مفهوم کلی اینکه انسان آزاد است مشترک هستیم. وی افزود: در مفهوم کلی اینکه انسان آزادی عقیده دارد مشترک هستیم. بعضی‌ها می‌آیند انتزاعی نگاه می‌کنند می‌آیند به

این مفاهیم، کلی نگاه می کنند لذا می گویند در بحث حقوق بشر با غرب مشترک هستیم و در همه یا اکثر زمینه ها با هم اشتراک داریم. اما این مسئله در آن مفاهیم خیلی انتزاعی و کلی است. وقتی این مفاهیم تفسیر شود اختلافات بروز پیدا می کند. ما برای اینکه سعادت انسان را در نظر می گیریم و این سعادت یک کل به هم پیوسته است و زن و مرد نقش های متفاوتی دارند بنابراین حقوق متفاوتی دارند، زن موظف نیست و تکلیفی ندارد که خرج زندگی را تأمین کند و مرد موظف درآوردن خرج زندگی است. البته وظایفی هم بر عهده زن است که بر عهده مرد نیست. اسلام زن و مرد را مکمل هم می داند و آنها را برای رسیدن به یک هدف می بیند برای اینکه زن و مرد را جدای از هم نمی بیند ولی غربی ها می گویند این دو جدا از هم هستند و هر کسی باید خرج خودش را خودش در بیاورد.

وی افزود: به عبارت دیگر اگر در یک جمله بخواهیم تفاوت اسلام و غرب را در این خصوص بگوییم آنها جزء نگر و فرد نگر هستند ولی ما کل نگر هستیم. کل هم یعنی هم مبدأ و معاد را در نظر می گیریم هم خدا و دین و هم جامعه و هم بحث زن و مرد که مکمل هم هستند منتها کارکردهای متفاوت دارند در نظر می گیریم. یعنی اسلام همه این مسائل را در نظر می گیرد اگر یک جایی حقی قائل نیست یا به تعبیری محدودیتی قائل می شود این مسئله به خاطر رعایت مصلحت کل است که البته در آن کل هم مصلحت فرد وجود دارد و بالعکس.

این محقق و نویسنده عنوان کرد: اگر آنها می آیند یک محدودیتی برای انسان در نظر می گیرند می گویند این حق را ندارد این مسائل یا به اینکه دست پای دین را ببندند یا آن مفاهیم دینی را لحاظ نکنند بر می گردد یا به این بر می گردد که افراد مانع هم نشوند. تزامم و تعارضی برای هم ایجاد نکنند. وگرنه بدون این دو قید سعی می کنند که افراد را جدا جدا و با یک حقوق یکسان با هم در نظر بگیرند؛ منتها بدون لحاظ مبدأ و معاد و خدا البته در مفاهیم کلی و انتزاعی که بخواهیم نگاه کنیم مشترکات زیادی وجود دارد اما وقتی همین مفاهیم کلی را بخواهیم تفسیر کنیم به خاطر کل نگری ای که در اسلام داریم و عدم کل نگری ای که آنها دارند و فرد نگری و جزیی نگری ای که دارند اختلافاتی در مصادیق پیدا می شود.